

تحلیل محتوایی و سبک نسخه خطی مصابیح القلوب اثر حسن بن حسین شیعی سبزواری

زینب سیدهاشمی، کامران پاشایی فخری*، پروانه عادلزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۱۹-۳۸

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7606>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: کتابهای خطی میراث عظیم پیشینیان هستند که همانند گنجی در اختیار ما قرار دارند. فرهنگ و اعتقادات و علوم گذشتگان از طریق خوانش این آثار میسر میشود. احیای دستنوشته‌های کهن و زودن گره فراموشی از سیمای متون قدیمی و شناسایی آفریننده این اثر اهمیت شایانی دارد.

نسخه خطی «مصباح القلوب» اثر حسن بن حسین شیعی سبزواری یکی از آثار ارزشمند است که به دلیل بکار بردن اصطلاحات عرفانی و ادبی، و معرفی برخی از بزرگان صوفیه موثر میباشد. در این پژوهش بررسی ادبی و محتوایی نسخه، متن آن و ویژگیهای زبانی و ارزش‌های ادبی و فکری مورد نظر است.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو مطالعه نظری است. این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی، تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه «مصباح القلوب» حسن بن حسین شیعی سبزواری به تصحیح محمد سپهری بوده، که توسط دفتر نشر میراث مکتوب منتشر شده است.

یافته‌ها: نویسنده این اثر را در ۵۳ فصل بررسی کرده و در هر فصل به شرح و تفسیر حدیثی از پیامبر اکرم پرداخته و با استفاده از آیات و اقوال پیامبران ائمه، مشایخ و صوفیان و نیز استناد به اشعار فارسی و عربی بر درستی موضوع مورد بحث تاکید کرده و کتاب را به اثری قابل فهم برای خاص و عام بدل کرده است.

نتیجه‌گیری: کتاب مصابیح القلوب نمونه انشای قرن هشتم هـ ق و نمونه‌ای از نثر مجالس صوفیانه است و میتواند برای مقایسه بین شیوه‌های سبک مختلف نثر فارسی مورد استفاده و بررسی قرار بگیرد. استفاده از صنایع بدیع لفظی و معنوی از قبیل جناس، سجع، تشبیه، کنایه، تلمیح، استعاره، تمثیل و غیره از دیگر ویژگیهای مصابیح القلوب است. کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی و صوفیه و احادیث از دیگر تمایزات سبک‌شناسی نثر این نسخه است.

تاریخ دریافت: ۲۴ تیر ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۲۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، مصابیح القلوب، شیعی سبزواری، ویژگیهای ادبی و سبکی

* نویسنده مسئول:

pashaei@iaua.ac.ir

۳۱۹۶۶۰۰۰ (۰۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the content and style of the manuscript of Masabih al-Qulob by Hasan bin Hossein Shi'i Sabzevari

Z. SeyedHashemi, K. Pashaei Fakhri*, P. Adelzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 July 2024

Reviewed: 15 August 2024

Revised: 31 August 2024

Accepted: 17 October 2024

KEYWORDS

manuscript, Masabih al-Qulob, content analysis, stylistics.

*Corresponding Author

pashaei@iaau.ac.ir

(+98 41) 31966000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Handwritten books are the great legacy of the ancestors, which are available to us as treasures. The culture, beliefs and sciences of the past are made possible by reading these works. Revival of the ancient manuscripts and introducing the ancient texts and identifying the creator of these works is very important. The handwritten version of "Masabih al-Qulob" by Hasan Bin Hossein Shi'i Sabzevari is one of the valuable works, which is effective due to the use of mystical and literary terms, and introduction of some great Sufis. In this research, the literary and content analysis of this manuscript, its text, linguistic features and literary values are considered.

METHODOLOGY: The present research is a theoretical study and has been done based on library studies in descriptive and analytical way. The scope and population of the study is "Masabih al-Qulob" by Hasan bin Hossein Shi'i Sabzevari edited by Mohammad Sepehri, which was published by the Office of Written Heritage.

FINDINGS: The author has analyzed this work in 53 chapters and in each chapter he has explained and interpreted a hadith of the Holy Prophet using the verses and saying of the Prophets, Imams, Sheikhs and Sufis, as well as quoting Persian and Arabic poems. He has emphasized the correctness of the topic under discussion and has made the book an understandable work for the general and the specific.

CONCLUSION: The Book of Masabih al-Qulob is a sample essay of the 8th century AH and is an example of prose of Sufi meetings that can be used and studied to compare different styles of Persian prose. The novel verbal and spiritual features such as puns, similes, metaphors, similes and etc. have been employed. The use of mystical and Sufi words and terms and hadiths are other stylistic distinctions of the prose of this manuscript.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7606>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 0	 0

مقدمه

وجود نسخه‌های خطی زیاد از دست‌نوشته‌ها و آثار شاعران و نویسندگان ایرانی در قرن هشتم از ویژگی منحصر بفرد نثر این دوره است که نشانگر نفوذ زبان فارسی و گسترش آن در بیرون از مرزهای ایران است. توجه به این نسخه‌های خطی و شناساندن آنها به اهل فرهنگ و ادب فارسی و ادب دوستان می‌تواند در غنای فرهنگی و حفظ و گسترش تمدن ایران موثر واقع شود. این دست‌نوشته‌ها در بردارنده شیوه نگارش صاحب اثر به جهان هستی، روابط اجتماعی، سیاسی، عواطف انسانی و احساس درونی و مسائل اعتقادی آن ملت هستند، یکی از راه‌های اطلاع و انتقال این مسائل از سلسله به نسل دیگر را می‌توان از طریق آشنایی با این آثار دانست.

نسخه خطی «مصابیح القلوب» که به نثر ساده در سال ۷۵۷ هـ ق در ایران توسط «حسن بن حسین شیعی سبزواری» به رشته تحریر درآمده در زمره کتب عرفانی و تصوف است که در آن با بهره‌مندی از آیات الهی، احادیث، کتب بزرگان تصوف و سخن شاعران بزرگی چون سنایی، سعدی، مولوی، و غیره نگاشته شده و متأسفانه تاکنون مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است.

هدف اصلی این مقاله بررسی سبک‌شناسانه نسخه خطی «مصابیح القلوب» از منظر ویژگیهای زبانی، ادبی و فکری است.

شرح حال مولف

حسن بن حسین شیعی سبزواری بیهقی معروف به شیعی، مکنی به ابوسعید یا ابوعلی (مدرس تبریزی، ۳۳۸: ۱۳۷۴). یکی از نویسندگان و مترجمان پرکار نیمه نخست قرن هشتم هجری است تاریخ ولادت شیعی در جایی ثبت نشده است اما برخی او را از شاگردان علامه حلی (متوفای ۷۲۶) دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۱۱: ۴۸) و (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۵) گفته‌اند که شیعی کتاب ارشادالاذهان استاد خود، علامه حلی را در سال (۷۱۸. ق) نسخه برداری کرده است. می‌توان این احتمال را داد که وی اواخر هفتم هجری بدنیا آمده است با توجه به آنچه گفته‌اند، اطلاعات زیادی بدست نمی‌آید جزء آن چه امین در کتاب اعیان الشیعه و آقا بزرگ تهرانی، در طبقات اعلام الشیعه آن را ذکر کرده‌اند. (امین بی تا، ۵۱-۵۲) و (تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۹۰) شیعی در آثارش اطلاعات مفیدی از خود ارائه نمیدهد از کتاب راحة الارواح و مونس الاشباح چنین حاصل میشود که نزد امیران سربداری قرب و منزلتی داشته است.

زمان وفات شیعی مثل ولادت وی در جایی نیامده است، اما علامه تهرانی اساس ترقیمة مؤلف در پایان یکی از نسخه‌های راحة الارواح، نام برده را سال (۷۵۷) زنده دانسته است. (شیعی سبزواری، ۱۳۷۵: ۱۲) و از جمله فعالیت‌های حسن شیعی سبزواری در زمینه حمایت سربداران و ترویج تشیع، تألیف کتاب است.

در مجموع از هشت اثر این عالم شیعی در آثار دیگران نام برده است که کتاب «مصابیح القلوب» در موضوع اخلاق، مواظب، نصایح و نوادر حکم میباشد که به تصریح خود نویسنده در مقدمه آن برای واعظان مبتدی نوشته شده است. (فتحی نیا، ۱۳۸۸: ۸۸)

سبک نگارش نویسنده روان، شیوا، دلپذیر و خواندنی است او با آوردن جملاتی ساده و روان از پیچیدگی و عبارت‌پردازی دوری کرده بر سلامت روانی نوشته‌اش افزوده است. (تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۳) گاهی اوقات به تناسب مطلب ابیاتی به فارسی و عربی سروده که در برخی موارد حاوی مضامین عالی اخلاقی و اجتماعی است و از طبع شعری او حکایت دارد. وی با نقل حکایات و داستانهای شیرین و دلنشین از سرگذشت بزرگان و اولیاء و مشایخ به شیوایی و گیرایی به نوشته خود فزونی بخشیده است.

از جمله ویژگی‌های این متن آمیختگی نثر با آثار نظم و شعر نویسنده یا شاعران دیگر مانند سعدی، سنایی، مولانا و غیره می‌باشد. وی کوشیده است تا بر ترجمه و خلاصه کردن متون به زبانی ساده و عامه فهم مردمان را به سوی انشایی با مذهب تشیع سوق دهد.

پیشینه تحقیق

طبق بررسی و تحقیق صورت گرفته از منابع معتبر کتاب و مقاله‌های متعددی کار شده است. از جمله در سال (۱۳۷۴) ویرایشی از این اثر به کوشش محمد سپهری انجام شده است. مقاله‌هایی تحت عنوان «رویکرد عاطفی واقعه کربلا در متون فارسی بیش از (قرن نهم) محمد ولوی، سیده رقیه ابوالقاسمی (۱۳۹۰)» بررسی کیفیت همکاری حسن بن حسین شیعی سبزواری و سرداران در ترویج شیعه» موسی رزاقی، معصومه آینار حسن حسین زاده شانه چی «باز خوانی زندگی علمی و آثار حسن بن حسین بیهقی (شیعی سبزواری)» از حسن حسین زاده شانه چی (۱۳۸۶)

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که کتاب و مقاله‌های ارزشمندی به زیور چاپ آراسته شده ولی در زمینه سبک‌شناسی نسخه خطی مصابیح القلوب سبزواری کاری مستقل یافت نشد.

معرفی نسخه

این کتاب در پنجاه و سه فصل است که به شرح و تفسیر پنجاه و سه حدیث از پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد. مؤلف هر فصل را با روایتی آغاز کرده و سپس به ترجمه و شرح حدیث می‌پردازد و از آیات و روایات متعددی سخن به میان می‌آورد (مقدم و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۷).

از این اثر نسخه‌های متعددی در کتابخانه شناسایی شده است که اقدم آنها در کتابخانه پاکستان گنج بخش می‌باشد. نسخه حاضر با عنوان مصابیح القلوب به شماره مجلس ۶۸۱۵ به کتابت عزالدین علی بن شمس‌الدین محمد به تاریخ ۹۷۹ است که مشتمل بر ۶۰۴ برگ است.

نسخه دوم در کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۳۱۹۷ به کتابت حیدر بن عبدالحمید قاینی به تاریخ ۹۶۱ مشتمل بر ۲۹۴ برگ در قطع ۱۰ در ۱۵ سانتیمتر که هر صفحه آن ۱۷ سطر است.

نسخه سوم در کتابخانه مرعشی نجفی قم به شماره ۱۶۲۵ به کتابت رحمت‌الله بن عبدالله ورزایی به تاریخ ۱۰۵۱ مشتمل بر ۱۹۹ برگ در قطع ۱۷ در ۱۵ سانتیمتر است.

نسخه چهارم در کتابخانه مرعشی نجفی قم به شماره ۲۹۷۸ به کتابت محمد بن علی به تاریخ ۱۲۶۰ مشتمل بر ۱۸۳ برگ در قطع ۲۹ در ۲۰ سانتیمتر است.

- موضوع بابها

آن چنان که پیشتر بیان شد این کتاب در موضوع اخلاق و مواظب و نصاب و به زبان فارسی نوشته شده است و مشتمل بر پنجاه و سه فصل است که نویسنده در هر فصل یکی از روایات اخلاقی پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» را نقل و ترجمه کرده و سپس به شرح آن پرداخته و مطالبی متناسب با آن بیان کرده است، که علاوه بر اینکه جنبه ادبی و وصفی دارد از نظر عرفانی نیز قابل تأمل است.

تعداد فصلها بستگی به موضوع آن فصل دارد. بعضی از فصلها بلند و بعضی دیگر کوتاه است. بطور مثال فصل بیست و دو در مورد معجزات پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و فرزندان وی است و بعضی مانند فصل پنجاه و سه در مورد داستان حضرت سلیمان کوتاه میباشد.

در کل مصابیح القلوب سراسر از موضوعاتی است که در مورد فضیلت پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» و ائمه معصومین و حال و کمال درویشان که شامل صبر و توکل و تسلیم و غیره است که باعث طیب خاطر خوانندگان میشود. با بررسی این اثر معلوم میشود که بر ادبیات پارسی کاملاً مشرف و آگاه بوده و کوشیده است اثری فراهم کند که از نظر ادبی، علمی، هنری، عرفانی تکمیل باشد.

- رسم الخط نسخ خطی «مصابیح القلوب»

با بررسی و کنکاش بر روی رسم الخط کاتبان گذشته که قبلاً در مورد آن توضیح داده شد، دریافتیم خطوط بکار رفته در اثر برجسته شیعی سبزواری «مصابیح القلوب» عبارتند از:

نسخه کتابخانه مرعشی نجفی بنام رحمت اله بن عبدالله وزرابی به خط نستعلیق

نسخه کتابخانه مرعشی نجفی بنام محمد بن علی به خط نستعلیق

نسخه کتابخانه مرکزی تبریز به خط نستعلیق

نسخه گنج بخش پاکستان به خط نستعلیق میباشد.

- در آمیختگی نظم و نثر

شیعی سبزواری در مصابیح القلوب، با بهره گیری از زبان شعر پیشینیان از جمله اشعار مولوی، سعدی، سنایی و غیره کلام خود را مزین به اشعار این بزرگان کرده است. اشعار فارسی کتاب گاه یک مصراع، گاه چند بیت از یک یا چند شعر و گاه صورت کامل یک غزل مثنوی یا یک رباعی است و به صورتهای گوناگون در کلام گنجانده شده و به هر حال بر تأثیر کلام افزوده و موجب آرایش آن گردیده است. همچنین شیعی در مصابیح القلوب از عبارات فارسی و عربی خطابی و نظایر آن در تحریر و تشویق مخاطب نسبت به مطالب و برانگیختن توجه بیشتر او و برقراری ارتباط نزدیکتر با وی استفاده کرده است او مخاطب خود را با عنوان «ای عزیزان»، «هان عزیز من» و «عزیزا» و غیره مورد خطاب قرار داده است. تا با احساس نزدیکی با آن به تأثیرگذاری کلام خود قوت ببخشد:

هان ای عزیزان! از دعای بد پرهیز کنید و هیچ دلی میازارید. (همان: ۴۲۹)

ناشنیدن حرمانی شگرف عزیزا! شرط دوستی آنست که هر که را دوست داری دوست او را دوست دار و دشمن او را دشمن. (همان: ۳۶۲)

- شکلهای متفاوت نوشتاری

شکلهای متفاوت نوشتاری از شاخصهایی هستند که مورد توجه زبانشناسان قرار گرفته اند، در شناخت سبک یک اثر جایگاه ویژه ای دارند و در سبک شناسی موجب تمایز و برجستگی میشود. «نقش تفاوت های آوایی در سبک تنها محدود به گفتار نیست بلکه در نوشتار نیز مطرح است نویسه ها و شکل زبان نوشتار در گذر زمان و برحسب متغیرهای تاریخی و جغرافیایی دگرگون میشوند برای این دگربرداری، کار زمان شناسی تاریخی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۶).

- ۱- در همه موارد حرف «گ» بصورت «ک» و «پ» بصورت «ب» و «غ» بصورت «ق» و حرف «چ» بصورت «ج» و حرف «ژ» بصورت «ز» بکار برده شده است.
- کوش ← گوش (۲۳۲)، مشقول ← مشغول (۶۷)، کزدمان ← کزدمان (۲۴۰) چراغ (۵۱۲)
- ۲- حرف اضافه (به) به کلمه بعد خود چسبیده است. مانند: امیرالمؤمنین بصفین میشد، بکر بلا (۲۴)، بصحرا ← به صحرا (۴۶۴)
- ۳- عدم دقت در بکار بردن نقطه در کلمات: در نقطه‌گذاری معمولاً مسامحه شده و یکی از غلط‌های این نسخه کاربرد ناصحیح نقطه‌گذاری شده است. معسوق ← معشوق، حشنود ← خشنود (۴۴۱)
- ۴- حرف نشانه «را» بصورت چسبیده نوشته شده است: یارانرا ← یاران را (۵۳۲)، ستارگانرا ← ستارگان را (۴۸۷)
- ۵- پیشوند «بی» در اکثر موارد به کلمه خود متصل گردیده است.
نعره‌ای بزد و بیهوش بیفتاد (۳۶۲)
- ۶- نوشتن کلمات مختوم به (۵) گاهی بصورت «ت» و گاه به شکل (۵) نوشته شده. صلوه ← صلوات (۴۲)، حیا ← حیات (۵۸۷)
- ۷- «ء» به جای «ای» در تمام نسخه‌ها
بنده ← بنده‌ای (۱۷)، دیده ← دیده‌ای (۱۷)
- ۹- کلمات ← سوم، هیجدهم، بصورت سیوم و هیژدهم. سیوم ← سوم (۲۶)، هیژدهم ← هیجدهم (۴۲۷).
- ۱۰- فعل «است» به کلمه قبل چسبیده: میانست ← میان است (۲۷)، طعامست ← طعام است (۵۴)
- ۱۱- گاهی حرف «ذ» به صورت «ز» و «ض» به صورت «ظ» بکار رفته.
ذلت ← زلت (۳۵۹) لازم ← لازم (۲۵۲)
- ۱۲- نوشتن حرف «باء به جای» به
چون باهوش آمد ← چون به هوش آمد، نماز با جماعت گذارد ← نماز به جماعت گذارد (۴۰)
- ۱۳- جدا نوشتن حرف «ب» در بعضی افعال
به بینم ← ببینم (۳۲۱)، به بین ← ببین (۳۰۲)
- ۱۴- جدا نوشتن حرف نون نفی و نهی در بعضی افعال
هیچ طاعت نه گوید ← هیچ طاعت نگوید (۳۸۵)، تا در حساب نه باشد (۴۱۷)
- ۱۵- «می» در کاربرد افعال بصورت چسبیده
میگرد ← می‌کرد (۱۱۲) میکشت ← می‌کشت (۳۰۱)

ویژگیهای سبکی

با بررسیهای صورت گرفته در اثر، این نتیجه به دست آمد که شیعی، هدف خود را ارائه یک دستورالعمل برای اصلاح ایمان و اخلاق میداند. لذا به شیوه کتب تعلیمی و اخلاقی بیش از خود همانند کشف المحجوب هجویری، گلستان سعدی و غیره ساختار متمایز ردائل و فضایل اخلاقی را آورده است. نویسندگان در نسخه خود به مسئله اخلاق و تهذیب نفس و تلاش فراوانی کرده تا با انتخاب نحوه ارائه کلام مکتوب مؤثر خواننده را مجاب کند تا با علاقه فراوان به مطالعه و به کارگیری مطالب ارائه شده بپردازد.

بهره‌گیری از زمان برای ارائه کلام مؤثر بسیار مهم است، بطوریکه انتخاب زمان مناسب برای پرداختن به یک موضوع و ارزیابی آن به واسطه ابزار مختلف مورد توجه خواننده است در این مورد شیعی سبزواری در ارائه مطالب در زمان مناسب تبحر فراوانی داشته است.

انتخاب موضوع و بهره‌گیری از ابزاری چون آیات، احادیث، روایات، اشعار، ارسال المثل برای اعتبار دادن به مسئله مورد بحث و در انتها استفاده از حکایت‌های آموزنده در فواصل زمانی مناسب و متنوع چیرگی نویسنده را بر مسائلی همچون گذر زمان و فراموشی نشان می‌دهد، گاهی حالت پند و اندرز این نوشته به گلستان سعدی شباهت دارد. در مباحث عرفانی، نویسنده تا حدودی از شیوه بیان مولانا در مکتوب بهره برده است مثلاً در طرح مباحث عرفانی بهره‌گیری از اشعار و اقوال و حکایات نقطه مشترک است.

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از این مطلب است که حسن و قبح اخلاقی برای نویسنده حائز اهمیت است و وی شناخت کاملی از نقاط ضعف و قوت آدمی دارد لذا سعی وافری از خود نشان داده است تا شاخصهای حُسن خلق و قبح آن را نشان می‌دهد و مرزبندی‌های بدیعی برای آشنا کردن انسان ارائه کرده است. آنچه بر ارزش کار اخلاق نویسنده افزوده، استفاده از گفته‌های اولیاء و معصوم است و این نقطه قوت کار اوست چرا که تصدیق گفته‌های خود را با منابعی تأیید میکند که هم حُسن رابطه معنوی ایجاد میکنند، هم ارزش علمی نسخه را می‌افزاید و این رابطه معنوی به خواننده می‌آموزد تا هر کسی که در این مسیر گام بر میدارد در موقع اضطراب فکر و اندیشه به آنها متوسل شود.

در کنار ارزشهای تعالی بخشی نسخه توجه به برخی رویدادهای اتفاقات زمان و ریشه‌یابی آنها حائز اهمیت است. هدف نویسنده ذکر احوال بعضی حاکمان ایجاد رابطه مستقیم میان اخلاق و حکومت‌داری است. در این راستا نویسنده تمام خصایل حاکمان را از قرآن کریم، احادیث و روایات معصوم استخراج و استشهاد کرده است. علاوه بر این خصوصیات درون متنی توجه به برخی خرق عادات و ویژگی‌های عرفانی اشخاص بر تنوع و جذابیت بعضی حکایات افزوده است.

نسخه خطی «مصابیح القلوب» جزء متون روایی است که خط مشی آن همچون گلستان موعظه، حکمت، اخلاق، علم و عمل است. نسخه مذکور از نظر شیوه نویسندگی دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای است که توانایی نویسنده آن را در حوزه بلاغت و دستور نشان می‌دهد. سبک نویسندگی و شیوه بیان وی نیز از ظرافتهای خاص برخوردار است. «مصابیح القلوب» علاوه بر ارزشهای ادبی و شیوه‌های نویسندگی از نظر تاریخی و دینی هم حائز اهمیت است. ذکر نام اشخاص، مکانها، و ویژگی حاکمان و برخی حکومتها و نوع مذهب و گرایش دینی و مکتبی افراد مجموعه اطلاعاتی است که با مطالعه این نسخه بدست می‌آید.

توجه نویسنده به مسائل عرفانی نیز میتواند این اثر را در کنار دیگر آثار عرفانی قرار دهد. بطوریکه نسخه مذکور از جهت مراحل مختلف سیر و سلوک همچون مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه تشابهاتی دارد و مانند این اثر مراتب مختلفی چون توکل، رضا، فقر، تسلیم و غیره را با همان شیوه رایج توضیح و تفصیل می‌دهد.

سبک زبانی

سطح آوایی: در سطح آوایی که به آن موسیقایی نیز گفته میشود عوامل موسیقی آفرین مورد توجه قرار می‌گیرد. و خود بر سه سطح موسیقی بیرونی (وزن) موسیقی کناری (ردیف و قافیه) و موسیقی درونی (انواع سجع و تکرار) شامل میشود.

موسیقی درونی

موسیقی کلام حاصل حسن ترکیب همه اجزای سخن از جمله وزن، قافیه، ردیف صامت‌ها و مصوت‌ها، تکیه و سکون‌هاست. از آنجا که اساس موسیقی بر تنوع و تکرار بنا نهاده شده است. «هر کدام از جلوه‌های متنوع و تکرار در نظام موسیقی بیرونی و کناری، در حوزه مفهومی این نوع موسیقی قرار می‌گیرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۴۱۵).

● **جناس:** مفهوم جناس هر نوع اشتراک در مصوت‌ها و صامت‌های کلام است که در طرح‌های گوناگون می‌تواند خود را نشان دهد. در ذات و طبیعت هر زبان، جناس خود را یک قانون زیباشناسی نشان می‌دهد. (همان: ۳۰۱). جناس نیز که از کنار هم آوردن واژه‌ها با یکدیگر با معنی مختلف بوجود می‌آید باعث ایجاد موسیقی در سطح واژگان و جملات می‌شود در این فن بدیعی هر چه واکنش‌های کلمات به هم شبیه‌تر و نزدیک‌تر باشد، بدیعی‌تر است. «غزابت واژه‌ای متجانس، ناشی از وجود وحدت در عین کثرت، سبب برجستگی لفظی و معنایی آنها می‌شود» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۳۱). در مصابیح‌القلوب، جناسها بیشتر در نظم و یا در نثر خلق می‌شود. زنان مصر ناوک ملامت از کمان گمان زلیخا گرفتند (۵۹۲)، شکر قید نعمت عاجل است و صید نعمت اجل (۴۴)، سحاب عذاب و عقاب عقاب پیدا شد (۲۴۲)، ای منور به نجوم جمال روی مقرر قبور رسوم کمال (۵۲)

● **سجع و قرینه‌سازی (توازن نحوی):** در سجع که به آن «تکرار نحوی» نیز گفته می‌شود «چون ویژگی‌های بخش یا مصراع دوم، اولی را تداعی می‌کند، ذهن از این دریافت لذا می‌برد تکرار نحوی قرینه‌سازی است و مانند هر قرینه‌سازی دیگر زیباست» (همان: ۵۶).

شیعی سبزواری به اسجاع متوالی علاقه نشان داده و در اکثر موارد و سجع متوالی را در پایان جملات آورده است. سجع در مقدمه اثر بیشتر است و باعث آهنگ و لطافت خاصی شده است. عمر تو در حمایت و عنایت این حروف بگذارم (۸)، محتر محتشم سرور محترم (۲۷)، محل بزهادت و دیانت است (۶۹)، شمع جمع انبیاء چراغ باغ اصفیاء (۱۵۵)، ای دولت رضای تو مطلوب هشیاران با جاه، وای سعادت بقای تو محبوب بیداران (۵۲)، شرک را از تو منزهم ارکان شرع را از تو منتظم احوال (۲۴۹)، بازرگانی بود به امانت و دیانت مال بسیار داشت (۲۸۷) قبله اقبال و کعبه افضال (۵۲).

وای مقرر به تو رسول کمال	وای منور به تو نجوم جلال
آسمانی است قدر تو جلال	بوستانی است صدور تو زنعیم
(برگ ۵۲ / ش؛ برگ ۵۷ / ن؛ برگ ۱۸ / آ؛	
برگ ۱۹ / ع)	

تکرار

در نثر و شعر شیعی، تکرار واژگان و جملات بسامد بیشتری نسبت به تکرار واجها و هجاها دارند: صبریست بر مصیبت، صبریست بر طاعت و صبریست از معصیت (۱۸)، حلال و حرام و شرایع و احکام می‌پرسید (۵۰)، زار زار بگریستی (۲۴)، یزید را لعنت می‌کنی گفت خداوند وی را لعنت کرده است چگونه ویرا لعنت نکنم (۲۴۷) هُوَ عَبْدٌ لِعَبْدِ عَبْدِ عَلِيٍّ (۶۷)، سرش را گوش تا گوش بریده بود (۲۵۳)، آن ماهی را ماهی دیگر فرو برد و آن ماهی را ماهی دیگر (۵۰۶)، من دوستان دوستان ایشان را دوست می‌دارم (۱۶۷)

• تکرار واج

به قدم سلک سالکان راهت (۲۶۱)، جمله مؤمنین و مؤمنات، مسلمین و مسلمات مُجِبُّ لِمَنْ يُحِبُّ مُحَبَّه (۶۷)، تحفه انوار حقایق چشمه اسرار دقایق (۲۴۹)، خلعت قرب قاب قوسین (۳۵۰)، يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّوْهُمْ نَهْمُ زَنْهَارٍ تَابِدُ لِقِ كَهْنِهِ وَ خَرْقَهُ زَنْدَه (۲۸۲)، ای حکم تو بر ممالک مالک / وی را روان راه عشقت سالک (۲۸۷).

• سطح لغوی

سبامد زیاد لغات عرفانی و اصطلاحات صوفیانه، کاربرد فراوان لغات عربی و ترکیبات وصفی و اضافی از ویژگیهای خاص سطح لغوی کتاب مصابیح القلوب است.

• کلمات پرسامد

کاربرد اسامی خاص یکی از ویژگیهای این اثر است. علاوه بر موضوع اثر که کاربرد اصطلاحات عرفانی را اجتناب‌ناپذیر میکند. شیعی سبزواری موارد بسیار مجبور به استفاده از واژه‌های دینی و مذهبی شده است. حق تعالی (۱۳)، درویش (۱۱۴)، صوفیان (۴۹)، طریقت (۵۸)، حضرت (۴۷۴)، معرفت (۲۱۵)، محبت (۲۲۵)، آتش (۲۱۶)، نعمت، یقین (۲۷۷)، حال (۲۸۰)، عارف (۴۲۷)، توکل (۴۷۲)، اولیاء (۴۲۸)، بقا، فنا، مقام (۵۸۷)، دعا (۱۱۲)، کائنات (۳۲۵).

• کلمات عربی

هر چند بنای شیعی سبزواری در نگارش مصابیح القلوب بر بیان طبیعی و رساندن پیام و مفهوم بصورت ساده و زودیاب است. با توجه به اینکه این کتاب آمیزه‌ای از اخلاق و طبیعتاً از واژگان و اصطلاحات و عبارات عربی معمول در چنین متونی استفاده نموده است عبارات ویژه این علوم است و بخشی نیز شامل واژگان و عبارات عربی است که تأثیرپذیری از متون علمی و عربی و فارسی و دینی و عرفانی، آنها را در نثر خود بکار گرفته است. القصه (۵۶۳)، جریده صابران (۲۴)، مژگی (۵۲)، مسیحی (۱۷۰)، مقاسمه (۴۸)، ممتزج (۷۰)، صراط‌المستقیم (۲۵۲)، بیت‌الحرام (۲۱۱)، عبدالجبار (۲۸۵)، علیه‌العنه (۴۱۱)، بدیع‌الجمال (۵۳)، ملک‌الموت (۲۳۵)، نجوم جمال (۵۲)، منتظم احوال (۲۴۹)، بزها (۶۹)، استرجاع (۵۵)، مقاسمات (۲۵۲)، طینت‌الاحیال (۲۶۹)، آخرالزمان (۵۳۸)، مقاسمات (۲۵۲)، معاذله (۳۳۹)، خیر‌الناصرین (۲۴۹)، سبحان‌الله (۴۷)، مرجحاک (۲۵۱).

• کلمات کهن

از دیگر ویژگیهای این کتاب توجه نویسنده است به بعضی کلمات که کمتر در زبان فارسی بکار برده شده‌اند و یا بصورت متروک و فراموش شده بودند از جمله کلماتی چون: دوزج (۴۰۷)، عقاقیر (۸۶)، ساعقه (۴۸۲)، حاذمه (۲۹۸)، خانه قاهی (۲۷۷)، پیره (۵۹۸)، محذرات (۲۷۱)، ظلال (۴۸۲)، مکرک (۵۰۵)، دستاس (۳۹۸)، طهورت (۴۰۰) سائ (۵۸۵) واستادن (۳۴۸). ترکیبات: چشمه اسرار دقایق (۲۴۹)، جریده صابران، مرادفات غیب، نعرات عشق (۵۵)، تحفه دقایق کعبه افضال کان و مکان، تهمت قبایل اعمال (۵۲)، فرادیس اعلاء (۲۶۸)، خایب خاسر (۳)، خوان صعالیک (۳۳۷)، صدر ایوان کائنات، بدر آسمان موجودات (۳۲۵).

● لغات و ترکیبات تازه

برآهیده از آهیدن، متورم شدن، برآماسیده و این لغت در قرن هشتم روی به انتشار نهاده است. (برگ ۳۶۷/ش؛ برگ ۲۶۸/ن؛ برگ ۸۲/آ؛ برگ ۷۷/ع)
- عقاقیر، لغت عربی است به معنی گیاهان دارویی
- درد ما را دوا کن گوید در این عقاقیر که من دارم داروی شفا نیست.
(برگ ۸۶/ش؛ برگ ۹۰/ن؛ برگ ۲۷/ع؛ برگ ۲۷/آ)

● ترکیبات وصفی و اضافی

ترکیب وصفی یا بعبارت دیگر مطابقت صفت و موصوف و عدد و معدود در جمع و مفرد.
- و در دریای کرامت که آفتاب تابان ضیاء از رخسار او می‌طلبد و آب حیات لذت و راحت از لب نوشین و دهان شیرین او می‌جوید. (برگ ۵۹۱/ش؛ برگ ۵۷۱/ن؛ برگ ۱۹۳/آ؛ برگ ۱۷۰/ع)

سطح نحوی

دستور زبان بخشی از زبان است که درباره ساختمان آوایی، صرفی، نحوی و معنایی زبان بحث میکند. از دستور و زبان‌شناسی میتوان در فراگرفتن زبان نیز بهره گرفت. آشنایی با دستور هر زبانی، راه ما را برای شناخت آثار ادبی آن زبان هموارتر میکند. دستور زبان فارسی هم از این قاعده مستثنی نیست. (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۴).
جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساختهای غیرمتعارف و کوتاه و بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری مانند آوردن انواع یاء، آوردن دو حرف اضافه و غیره

● **کاربرد افعال:** شیوه چینی اجزای سازنده یک فعل و چگونگی کاربرد آن از مقوله‌هایی است که به دلایل مختلف متحول و دگرگون شده و صورتهای گوناگونی به خود گرفته است. در اینجا به شاخصه‌های ساختاری افعال در این اثر پرداخته میشود:

- کاربرد وجه وصفی: از اواخر قرن هشتم به بعد کاربرد فعل وصفی - یا آنچه دستور نویسان وجه وصفی نامیده‌اند در متنها فراوان است (همان: ۲۹۱) در این اثر معمولاً بصورت غلط و گاهی درست بکار رفته است و به هر حال ناخوشایند است.

فرمان خدای نگاه داشت خدای فرزندی را از آتش نگاه‌دار آن درویش را به من نمایی (۳۶۳)، شبی در وقت سحر به مسجدالحرام در شدم (۳۴۲)

- کاربرد «ی» شرط در آخر فعلها: شمیسا کاربرد «ی» شرط و تمنا از ویژگیهای زبانی دوره رشد و تکوین میدانند (شمیسا، ۱۳۸۹: ۴۵).

اگر من حضر بودی بدان قادر نبودى (۳۲)

دست و پا بشکستی و برجای بماند (۳۸۱)

و او را سریری بود زرین در میان بساط نهاندى (۶۰۲)

- استعمال فراوان فعل پیشوندی: استعمال این فعلها از ویژگیهای سبک خراسانی است که بتدریج کاهش مییابد. پیرزن گوش بر نهاد و آوازی شنید (۴۰)، آتشی از بیت المقدس برآمد (۵۶۳) آن ماهی ماهی را فرو برد (۴۴۱) - وجه مصدری (افعال غیر شخصی): بسامد این کاربرد در سبک خراسانی فراوان است اما بتدریج از میزان آن کاسته میشود. نور یقین حق را در نتوان یافت (۴۱۹) پس اگر درویش نتوانی بود باری جهد کن (۲۸۶) وی را از اینجا فراتر برید که مسخ است از غذاب ایمن نتوان بود (۲۲۷)

- کاربرد فعل شاید: این فعل که اکنون تنها در معنای قید کاربرد دارد، در سبک عراقی و بویژه خراسانی به جای فعل بکار رفته است. «صیغه‌هایی از بعضی فعلها در آن دوره رایج بوده که بتدریج متروک شده است» (غلامرضایی، ۱۳۹۸: ۳۶)

گفت گرنان و آبم ندهی شاید (۱۶۳) که شاید چیزی نباشد که لایق حضرت او باشد (۳۰۳)

• کاربرد حروف

- کاربرد «اندر» که اندر یکدل دو دوستی ناید خوش (۳۸۸)، اندر همه عمر من شیئی وقت نماز (۳۴۸) - الف: ندا: پادشاه: این تاج چیست بر سروی (۵۲)، بسا عزیزان که خوار و ذلیل شوند (۲۶۲) - کاربرد انواع «را» به من نمای که مرده را چگونه زنده می کنی (۴۹۵)، مگسی را که تو پرواز دهی شاهین است (۴۹۶)، یکی دهقان شو و این کار را باش (۵۵۲).

• کاربرد صفت

- تقدم موصوف بر صفت مبهم «چند» و قرار گرفتن در بین ترکیب: در سبک خراسانی بسیار رایج بوده است. و در سبک عراقی ادامه دارد اما بسامد آن کاهش یافته است. زنی را دیدم موی چند در پیش وی می گفت (۲۲)، گفت زناری چند داشتم به سبیل (۵۱۲) قطره‌ای چند از دیده بیار (۵۳۵) - کاربرد «پیش» به جای بیش تر: غلامرضایی این ویژگی را نیز از ویژگیهای دوره تکوین زبان فارسی میداند (غلامرضایی، ۱۳۹۸: ۳۵). یکسال و چهار ماه پیش نبود پیش وی میشدم (۳۳۶)، هر چند خدمت بیش کند تقصیر پیش بیند (۴۳۵)، خیال نمود که بیش از آن شنیدم (۵۳۴) - کاربرد صفاتی مانند: بعظیم، سخت، نیک در معانی دیگر واژه «عظیم» در گذشته به معنای «بلند» بکار میرفته است اما اکنون به معنای «بزرگ» کاربرد دارد: آوازی عظیم از آنجا بیرون آید (۴۶۲)، جهود را سخت آمد (۵۴۸) در غم و محنت سخت گرفتاریم (۴۴۲) - کاربرد «نا» به جای «ن» در ساخت صفات: این کاربرد ویژه سبک خراسانی است که بتدریج استفاده از آن در قرنهای ششم و هفتم کمتر شده است غلامرضایی این ویژگی را از شاخصه‌های زبانی دوره رشد و تکوین زبان فارسی میداند و مینویسد: «نون نفی در بعضی ترکیبها بصورت «نا» بکار میرفته است» (همان: ۴۲). کارهای ناساخته ما را بکرم خود ساخته گردان (۲۶)، محمد هنوز دعوت ناکرده و زحمت ناکشیده (۵۲۶)، ای دعوت محبت و شوق کرده و درست نآمده (۳۶۳).

• کاربرد قیود

- «القصه» میان دو جمله و همپایه واقع میشود: القصه یوسف بفرمود تا برادران را طعام دهند (۵۹۷). القصه چون موسی به زمین آمد گماشتگان فرعون را خبر داد (۵۶۳)
- «چندان» برای بیان مقدار: و تو دوستدار وی ترا چندان ثواب حاصل شد (۶۸) فضایل و معجزات وی نه چندان است که بر توان شمرد (۴۰۵)
- «هیچ» با فعل منفی به معنای اصلاً: هیچ گوش نشنیده بود و هیچ چشم ندیده بود (۱۶)، رسول آن طعام ما هیچ نخورد (۱۳۰)، من درد تو را هیچ درمان ندهم (۶۱)

سبک ادبی

مصایح‌القلوب کتابی است با نثر شیوا، دلپذیر که نمایانگر سبک نوشته‌های مذهبی در خراسان سدهٔ قرن هشتم است. از جمله ویژگیهای این متن آمیختگی نثر با آثار نظم و شعر نویسنده یا شاعران دیگر است. شیوهٔ نگارش متن حاکی از این مسئله است که شیعی بر قواعد دستوری مرسوم و شیوهٔ استفاده از لغات تسلط کافی داشته است. از جمله فنون بلاغی مورد استفاده در این اثر سجع، تضاد، جناس، مراعات نظیر، تشبیه، کنایه، استعاره، و ارسال المثل است. تعدد استفاده از این فنون توسط نویسنده نشان‌دهندهٔ میزان علاقه وی به متون نظم و مطالعهٔ دیوانهای منظوم شاعران بویژه مطالعه بوستان سعدی است.

از میان فنون ذکر شده کاربرد سجع، جناس، تشبیه، بیش از موارد دیگر است که البته گاهی متن را به اطناب کشانده اما این درازنویسی متن را دچار پیچیدگی نمیکند.

توجه به ویژگیهای دستوری و رعایت آنها در حین نوشتن نسخه نشان از تبخّر نویسنده در امر نوشتن است از جمله کاربردهای رایج دستوری جمع مکسر و تتابع اضافات است که به طولانی شدن جملات منجر شده است. بطور کلی «مصایح‌القلوب» به دلیل بهره‌گیری کاتب از دانش بلاغت و توجه به رسم‌الخط و همچنین دانش دستوری کافی میتواند نمونه یک منبع کامل برای موارد فوق باشد و این مسئله را یادآوری میکند که شرط یک نوشته خوب احاطه نویسنده به کلام و توسعه آن در بکارگیری معانی با بیان و دستور است. از جمله فنون ادبی بکار رفته در مصایح‌القلوب میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

تشبیه

تشبیه و تمثیل صنعتی است که از قدیمترین زمانها در ادبیات آریایی (هند - ایران) مقام شامخی داشته و بنیاد ادبیات هندی بر آن بوده است که شیعی سبزواری از این دو صنعت در آثار خود بهره برده است. با در نظر گرفتن درونمایه کتاب تشبیهات ساده و روان در جهت تعلیم و آموزشی از بیشترین بسامد آماری برخوردار است و ماهیت این تشبیهات روان‌سازی کلام و تأثیرگذاری بیشتر آن است.

- لاله الاالله کلمه طیبه‌ای است که حق تعالی آن را تشبیه کرده است به شجره طیبه (۷)

- گفت امروز آیتی به شما نمایم که همچون مائدهٔ عیسی بود (۱۰۰)

- تا همچو خلیل اندر آتش نروی / چون خضر به آب زندگانی نرسی (۴۲۹)

- هر دو چشم تو به نرگس تشبیه کرده ابروی تو را به کمان (۴۸۸)

- چون نظر کنی عالمی را بینی شده طاووسان صنع بر اطراف باغها صف زده و عروسان صنایع نحاس خانه بدایع را جلوه داده تاج زرین بر سر نرگس نهاده مرقع نیلگون در قامه بنفشه کشیده قلاده مرجان برگردن ارغوان بسته (برگ / ۴۹۱؛ ش؛ برگ ۱۵۵ / آ؛ برگ ۱۳۷ / ع؛ برگ ۴۷۷ / ن)

- نوح را سفینه دادند محمد را سفینه با سکینه دادند سفینه محمد کدام بود اهل بیتش که مثل اهل بیته کمثل سفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق. سفینه اش سبب نجات بود و سکینه سبب علو درجات. (برگ / ش؛ برگ ۱۰ / آ؛ برگ ۸ / ع؛ برگ ۳۲ / ش).

بسامد تشبیهات مؤکد و مجمل بیشتر از تشبیهات مرسل و مفصل است که غالب تشبیهات وی بصورت بلیغ (اضافات تشبیهی) است:

مشتری برج سعادت، خورشید افق رسالت (۳۶)، تحفه انوار حقایق، چشمه اسرار دقایق (۲۴۹)

کنایه

کنایات بکار رفته در این کتاب در بحث مفاهیم اخلاقی و به منظور ارشاد و یادآوری بوده و بعد از تشبیه و جایگاه دوم جای دارد. ابوجهل لعین خایب و خاسر در پیش افکند و برفت (۳)، چون سلمان و بوذر کمر خدمتش بر میان بستندی (۳۲) عیسی فرمود: تا گور بر وی راست شد (۱۰۶) روزی زن آب در چشم بگردانید (۲۸۹) مرا از طعام آنقدر بس که پشت مرا راست دارد و از عبارت پروردگار من منع نکند. (برگ / ۲۳؛ ش؛ برگ ۲۶ / ن؛ برگ ۶ / ع؛ برگ ۹ / آ) آورده اند که قوم وی به هر طرف می رفتند و نشان می جستند و می گفتند اگر وی را ببینیم، کمر خدمتش بر میان جان بندیم. (برگ / ۵۰؛ ش؛ برگ ۴۸۸ / ن؛ برگ ۱۶۰ / آ؛ برگ ۱۴۰ / ع)

تلمیح

در مصابیح تنها تلمیحات دینی و مذهبی وجود دارد که در آیات و احادیث دیده میشود. که نویسنده در جای جای اثر خود استشهاد به این آیات و احادیث سخن و کلام خود را مستند ساخته است:

• یا ایها النفس المطمئنه إرجعی الی راضیه مرضیه (۱۷۶) - إن الحسنات یذهبن السیئات (۸)، لئن شکرتم لأزید لکم (۱۶) و الشمس و القمر رایتهم لی ساجدین (۵۸۴)، سلام قولاً من رب الرحیم (۵۳۷) ولی فیها مآرب آخری (۵۷۵) و ...

موضوع و محتوای مباحث مصابیح القلوب بطور طبیعی اقتضا کرده که مؤلف در ضمن آنها برای استشهاد و استدلال و تأکید بر مطالب، از آیات قرآنی، احادیث نبوی و سخنان پیشوایان معصوم (ع) و نیز اقوال بزرگان حکمت و عرفان و امثال عربی و فارسی و نیز اشعار بطور مکرر استفاده کند و آنها را بصورت های مختلف در متن کتاب بگنجانند. وی برای جذابیت سخنان و مواعظ خود به حکایت متوسل میشود از جمله حکایت های مربوط به صوفیان چون ابراهیم ادهم، بشر حافی، حسن بصری و ذالنون مصری و غیره. مؤلف آیات و احادیث را بیشتر بصورت کامل و به عربی آورده است:

هر که سابقه لطفش داد که ان الذین سبقت لهم منا الحسنی هر که تن در کار او داد «انزلا من غفوراً الرحیم مازاع البصر و ما طغی ما را به امامت او پیوند باید (۵۴۳) و نوح را که شیخ انبیاست که ان الله اظطفی ادم و نوحاً (۲۳۷) گاهی نیز فقط ترجمه آنها را نقل و در بیشتر موارد اصل آیه و حدیث را به همراه ترجمه بیان کرده است:

- ما کنت رقیباً علیه من نگاهبان او نبودم تا دانم که او کجا باشد (۱۲۹).

علاوه بر این مؤلف در موارد معدودی از آیات و احادیث استفاده ادبی کرده است به این صورت که از یک آیه و حدیث و یا قسمتی از آن برای ساختن اضافه تشبیهی بهره گرفته است.
- مازاغَ البَصْرَ وماطغی. ما را به امامت او پیوند باید (۵۴۳).
- یوماً کانَ شَرَهُ مسطیرا کار سخت بر شما آسان کرد (۳۸۵).

اغراق یا غلو

- علمش تا به حدی بود که از چهار کتاب فتوا می‌داد، حلمش چنان بود که غلام خود را چند کرب آواز داد غلام میشنید و جوابش نمی‌داد گفت یا علی میشنیدم اما اعتقاد بر حلم تو داشتم.
(برگ ۵۸/ش؛ برگ ۶۱/ن؛ برگ ۱۹/آ؛ برگ ۲۴/ع)
- من شما را آبی دهم شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از برف و صافی‌تر از یاقوت.
(برگ ۵۶۹/ش؛ برگ ۱۸۵/آ؛ برگ ۵۵۳/ن؛ برگ ۱۵۹/ع)

سبک فکری

شیعی سبزواری از نویسندگان و مترجمان فعال قرن هشتم هجری و از علمای شیعه مذهب منطقه بیهق خراسان و از عالمان دینی حامیان اصلی قیام سرداران بود، که همواره از آرمان تشییع دفاع میکردند و برای برقراری عدالت و ظلم ستیزی در جامعه تلاش میکردند. (مرادی نسب، ۱۳۸۲: ۱۴۲)
طبق گفته مورخان یکی از القاب وی «واعظ» است و برخی کتابهای او از جمله مصابیح‌القلوب که در باب مواعظ نوشته شده بر این است که سبزواری در جهت نشر معارف اسلامی به وعظ و سخنرانی پرداخته تا اینکه به این امر شهرت یافت. (سپهری، ۱۳۷۸: ۱۱) آنچه از آثارش پیداست شیعی مذهب است او به بسیاری از علوم زمان بویژه علوم ادبی، دینی و نجوم آشنایی داشت و در ادب و عرفان بلند آوازه بود.
سبزواری در ذکر خصوصیات مذهبی مانند شاعران، نجم‌رازی، حافظ و سعدی و غیره هم سبک و هم مذهب خود دارد سخن برداشته و چشم‌انداز معنوی و دینی پر از پشتوانه فرهنگی و مذهبی عمیقی را بر حسب باورهای اعتقادی بعد از گذشت قرن‌ها از مرگ تاریخی برای خوانندگان اثرش به یادگار گذاشته است و با بهره‌گیری از تفاسیر و روایات و آیات توانسته حق مطلب را به خوبی ادا کند.
مؤلف هر فصل را با روایتی آغاز کرده و سپس به ترجمه و شرح حدیث میپردازد و از آیات و روایات متعددی سخن به میان آورده است. (مقدم و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۷)

- مؤلف معراج حضرت محمد و معراج حضرت موسی را یادآور میشود که معراج موسی به کوه طور بود و معراج محمد به بساط نور، که تلمیح دارد به این آیه که: «و لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ در حق محمد گفت «سبحان الذی أَسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الذی بَارَكْنَا حَوْلَهُ»
وی بیان میکند که رفتن موسی به کوه طور صفت موسی بود که هر که به صفت خود قایلیم بود.
روا بود که چیزی وی را غالب بود. مصطفی کلی مقامات انبیاء و فرادیس اعلاء و بهشت و دوزخ را مشاهده کرد. ذره‌ای از جا نرفت. زیرا که حق وی را برده و بردن حق وی را صفت حق است و صفت الحق لاتغلب. (برگ ۳۴/ش؛ برگ ۴۰/ن؛ برگ ۱۲/آ؛ برگ ۱۰/ع)

مسائل اجتماعی و طبیعت از جمله اموری است که در تمام آثار سبزواری بدان توجه شایانی شده است. در این اثر مؤلف به موضوعات اجتماعی همچون مدایح و افتخارات و مکاتبات و مراسلات، مبارزه و شجاعت، امراض و طب، تهنیت و مرانی و غیره پرداخته است:

هنگامه خورشید و رخسار تو بشکست بازارچه سرو زرقار تو بشکست
 هر تعیبه لطف که تار گلی بود قدرش زرواج گل بار تو بشکست
 هر رونق و ناموس که لعل گهری داشت با قاعده لعل شکر بار تو بشکست
 (برگ ۵۹۳/ش؛ برگ ۵۷۳/ن؛ برگ ۱۹۴/آ؛ برگ ۱۷۲/ع)

فروع در خواب دید که آتشی از بیت المقدس برآمد و گردخانه وی و خانه قبطیان درآمد و بسوخت خانه‌ای بنی اسرائیل را هیچ تعرضی نرسانید. معبران را بخواند و از ایشان پرسید گفتند از بنی اسرائیل پسری در وجود آید که هلاک تو و زوال مملکت تو در دست وی باشد (برگ ۵۶۲/ش؛ برگ ۱۵۷/ع؛ برگ ۱۸۳/آ؛ برگ ۵۴۱/ن). چون امیرالمؤمنین از حرب جمل فارغ شد یکی گفت: کاشکی برادر من فلان حاضر بودمی تا بدیدی که حق تعالی تو را چه نصرت داد بر دشمنان؛ امیرالمؤمنین فرمود: برادرت دوست ماست.

شفیع امتان بخروشد آن روز که سبیر مرا کشتند و شبر
 دل و جانم حسین را زهر دادند زدند بران آن معصوم ختجر
 (برگ ۶۲۲/ش؛ برگ ۲۳/ن؛ برگ ۱۶۸/آ؛ برگ ۱۶۴/ع)

همچنین به فصول سال و مناسبات هر فصل و توصیف طلوع و غروب و بیان ویژگیهای آنها پرداخته است:
 - رفیقان و دوستان و یاران مرا بگو که در وقت بهار چون بگشت گلستان روید و گل و لاله بنید از گل و رخسار من یاد کنید و مرا فراموش مکنید. (برگ ۲۰۵/ش؛ برگ ۲۰۷/ن؛ برگ ۶۰/ع؛ برگ ۶۴/آ)
 شیعی در تبلیغ تشییع و اعتقادات این مذهب مانند اعتقاد به امام زمان آئین مهدویت را روش کار خود قرار داد و در مسجد به ارشاد و موعظه پرداخت و تنها راه رهایی از مشکلات سیاسی، اجتماعی، دینی را جهاد در راه خدا اعلام کرد. (مرادی نسب، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

سبزواری در ترجمه خود سلسله اسناد روایات را با هدف اینکه ذکر آن برای عوام فایده علمی ندارد حذف کرده است اما در شرح وقایع همچون بخشهای مربوط به نبردها عباراتی را می‌افزاید تا توجه خواننده را به خود جلب کند و حق و باطل را محسوستر به تصویر بکشد بعنوان مثال نبرد امیرالمؤمنین با عمر و عاص در جنگ صفین. (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)

با بررسی بر روی کتاب مصابیح القلوب دریافتیم که مؤلف توانسته است در آثار خود برجسته و دقیق به تمام نکات اخلاقی و عرفانی بپردازد و مخاطب خود را با بیان نکاتی چون ترک خودبینی و زهد و ریا، صبر در راه وصال به معشوق، به دنیای آرمانی نزدیک کند.
 دیدگاه سبزواری در کتاب مصابیح القلوب در فصل اول همچون نظر دیدگاه عرفانی پیش از خود است، وی در ابتدای کتاب به بیان پنج خصلت پرداخته، که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم میفرماید.
 که پنج خصلت است که هر که آن خصال را جمع گرداند و بدان صفات موصوف و مخصوص گردد پادشاه عالم وی را در بهشت ساکن گرداند.

مرحله اول؛ آن که عصمت کار وی و نظام امر وی و رد زبان وی کلمه لاله‌الله باشد لاله‌الله کلمه طیبه است که حق تعالی آنرا شبیه کرده است به شجره طیبه.

مرحله دوم؛ از آن پنج خصلت که موجب بهشت است و لذا ابتداء قال بسم الله همین در ابتدای هر عملی و آغاز هر شغلی گفتارش بسم الله بود.

مرحله سوم؛ شکر نعمتهای خداوند.

مرحله چهارم؛ استعفار و اذا اذنبَ دنياً قال استغفرالله.

مرحله پنجم؛ و از آن پنج خصلت که و اذا اصابَتْ مُصِيبَةً قَالَ اَنَا لِلّٰهِ.

به نظر میرسد اعتقاد سبزواری در مورد توحید بسیار به مکتب بغداد و پیر آن جنید بغدادی شبیه می‌باشد سبزواری بعد از بیان توحید به بیان شریعت، حقیقت و نصیحت پرداخته وی حقیقت را تجلیات مختلف حق دانسته است که در طی سیر و سلوک عرفانی بر سالک نمایان میشود. از دیدگاه وی برای رسیدن به حقیقت ابتدا باید از این دنیا فانی رها شد؛ زیرا منزله انس انسان جایگاهی پاک و مقدس یعنی مقام وصول به حق. عالم توحید شرکت نمی‌پذیرد عالم ذکر که نتیجه محبت است که مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا أَكْثَرَ ذِكْرُهُ.

لا ترا از تو جدایی می‌دهد	با خدایت آشنایی می‌دهد
لا چو الاگشت در راه یقین	اول و آخر یکی گردد بین
لا و الا را قلم درکش تمام	تا همه معشوق ماند والسلام

(برگ ۳۹۱/ش؛ برگ ۳۸۴/ن؛ برگ ۸۱۹/آ؛ برگ ۱۰۸/ع)

صورت حال عارفان دلق است	این قدر بس چون روی در خلق است
در عمل کوش و هر چه خواهی پوش	تاج بر سر نه و علم بر دوش
ترک دنیا شهوتست و هوس	پارسایی نه ترک جامه و بس

(برگ ۳۹۷/ش؛ برگ ۳۹۰/ن؛ برگ ۱۲۲/آ؛ برگ ۱۲۱/ع)

سبزواری در فصل سی و سه در بیان محبت و وفا، محبت را عشق لایتنهای میداند که پایانی ندارد و تا روز مرگ از عاشق جدا نمیشود.

هر که را توفیق ذکر دادند در محبت بر روی گشادند اما صاحب دولت به حقیقت آن است که طرفه‌العینی از ذکر حق خالی نباشد و چنان مستغرق ذکر باشد که کونین را فراموش کند.

(برگ ۳۸۸/ش؛ برگ ۳۸۲/ن؛ برگ ۱۰۸/ع، برگ ۱۱۹/آ)

تا مرد به تیغ عشق بی‌سر نشود	در حضرت معشوق مطهر نشود
هم عشق طلب کنی و هم سرخواهی	آری خواهی ولی میسر نشود

(برگ ۲۸۱/ش؛ برگ ۲۸۲/ن؛ برگ ۸۷/آ؛ برگ ۸۱/ع)

همچنین سبزواری در کتاب مصابیح‌القلوب به بیان تسلیم پرداخته است. از دید وی سالک در راه حقیقت باید خود را در مقابل معشوق تسلیم و جان خود را در راه معشوق دهد و خاک راهش را همچون سرمه‌ای بر دیدگان کشد و حتی سر از فرمان او برنتابد سالک برای رسیدن به آرامش باید بداند همیشه در محضر خدا حاضر است و آرامش او در گرو تسلیم و رضا در برابر حق است:

ابلیس لعین چون از خلیل نومید شد روی سوی اسمعیل کرد و گفت تو را می‌برد بکشد اسمعیل گفت: سبب کشتن چیست؟ گفت می‌گویند که خدا مرا امر فرموده است. گفت حکم خدا را باید گردن نهاد.

دلدار مرا گفت که خونت ریزم / گفتم که فتوح از آن نگریم
 یک جان نبود هزار جان بایستی / تا می‌کشی و بار دگر می‌خیزم
 (برگ ۱۲۰۴/ش؛ برگ ۶۰/ع؛ برگ ۲۰۵/ن؛ برگ ۶۲/آ)

در بیع توأم به هر بهایی که کنی / در حکم توأم به هر قضایی که کنی
 با یاد تو در سقر، نعیم نگارم / بی یاد تو خلد را حجیم انگارم
 (برگ ۱۳۹۳/ش؛ برگ ۳۸۶/ن؛ برگ ۱۱۰/ع؛ برگ ۱۲۱/آ)

علاوه بر موضوعات ذکر شده، موضوعاتی از قبیل مبارزه با زهد و ریا، بی‌اعتباری به دنیا و صبر و تسلیم در آثار وی مشاهده میشود.

نتیجه‌گیری

نسخه خطی «مصابیح القلوب» بعنوان یکی از آثار مهم و ارزشمندی است که مورد توجه بوده است در مطالعه این کتاب که مهمترین اثر «حسن بن حسین شیعی سبزواری» است این نسخه خطی در ۶۰۴ برگ با شماره ۶۸۱۵ مجلس در کتابخانه گنج بخش پاکستان نگهداری میشود. این کتاب در پنجاه و سه فصل است که به شرح و تفسیر پنجاه و سه حدیث از پیامبر اکرم (ص) میپردازد که فهرست فصلها موضوع اصلی را در برمیگیرد. این کتاب عرفانی و در قالب نثر و نظم به تحریر درآمده و برخی از اشعار به زبان عربی و فارسی است.

در مصابیح القلوب غلطهای املائی فراوانی دیده میشود. خصوصاً نویسنده میان واو معدوله بسیاری از واژه‌ها مانند «خوانه» و «خواست» و حرف «الف» در واژه‌هایی مانند «خاستن یا برخاستن» و غیره تفاوت خاصی قائل نشده و گاه املائی این لغات را جابجا نوشته است، ظاهراً این امر در دوره او عیب شمرده نمیشده و با مسامحه با آن رفتار شده است.

هدف شیعی سبزواری در نگارش مطالب رساندن هر چه ساده‌تر پیام و القای اندیشه خود به مخاطب و برقراری ارتباط هر چه نزدیکتر با اوست. به همین سبب رعایت قواعد و آداب نویسنده مد نظر او نیست و در بسیاری از عبارات به زبان و سیاق گفتار و سخن خطابه‌ای نزدیک یا بر آن منطبق میشود. اما از آنجا که مباحث مطرح مصابیح القلوب مباحث اخلاقی عرفانی است. طبیعتاً از واژه‌ها و ترکیبات ساده و دشوار عربی و عبارات کوتاه و بلند این زبان و آیات قرآن و اخبار و احادیث و روایات و کلمات قصار و امثال آکنده و از قواعد این زبان مؤثر است. مؤلف از آوردن آیات و احادیث جزء مواردی معدود استفاده ادبی نکرده است. و بیشتر به اقتضای مطلب، آیات و احادیث را برای استدلال، استشهادیه و تأکید به مطلب مورد بحث آورده است میزان تأثیر آیات قرآنی و احادیث اسلامی در کتاب مصابیح القلوب شیعی بیانگر این موضوع است که جانمایه و شالوده فکری و محتوایی کتاب او عرفان و تصوف اسلامی و بیان شیوه سلوک و آداب سالکان است. وی با بهره‌گیری از آیات، روایات قرآنی توانسته حق مطلب را بخوبی ادا کند.

مؤلف در نگرش عاشقانه خود، تصوف را اساس مبانی شرع و تزکیه نفس و اعراض از دنیا برای وصول به حق و سیر به ظرف کمال دانسته است و در بحث از دین به منقبت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار بطور اخص پرداخته است. همچنین با بیان داستان و حکایتهای مربوط برخی مشایخ صوفیه با هدف ترویج اصول مذهبی و تعالیم اخلاقی اثر خود را جذابتر کرده است.

شیعی در کتاب خود از کتابهای عرفانی و متصوفه زیادی بهره برده که با رعایت اصل امانت، نام کتب یا نویسندۀ آن را بیان کرده است. جدا از بهره‌گیری از قرآن او از دیوان شاعرانی فارسی‌گو مانند سنایی، مولانا، سعدی و غیره استفاده کرده است.

کتاب مصابیح‌القلوب از نظر زبانی منطبق بر قواعد زبانی سده هشتم هجری است و مانند بیشتر آثار عرفانی این دوره اساس کارشان تقلید از قدما بوده و همین امر شاخصه سبکی آثار نثر قرن هشتم است. سبک نویسندگی شیعی سبزواری در مصابیح‌القلوب از مقام قدیم فروتر آمده و مکتبی نو و پرورش تازه از نویسندگی رو نموده است؛ و ساده‌نویسی برنوشته‌های فنی قدیم و نثر مرسل بر نثر مصنوع رجحان یافته است. سادگی زبان و دوری کلام از تکلیف و پیرایه‌های ادبی که شاعران و نویسندگان پیشین در آثار خود بکار برده‌اند، می‌تواند از ویژگیهای عمده این اثر در سطح زبانی باشد. از نظر سبک ادبی وفور تشبیه، تلمیح، کنایه، و ترکیبات وصفی و اضافی در این اثر چشمگیر است. همچنین به کار بردن تتابع‌اضافات از ویژگیهای بارز آن است. لغات تازه و ترکیبات تازی از ویژگی اصلی سبک عراقی است که در این اثر دیده می‌شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالۀ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز استخراج شده است آقای دکتر کامران پاشایی فخری راهنمای این رساله را برعهده داشته و طرح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زینب سیدهاشمی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر پروانه عادل‌زاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدرانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری داده‌اند اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی می‌نمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان میان پژوهش به عهده نویسندۀ مسئول است و ایشان کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Amin, Seyyed Mohsen, (Bita), Ayan al-Shia, Beirut al-Azwa.1
- Tehrani, Agha Bozorg, (Bita), Al-Dhariyeh, Dar Al-Azwa, Beirut.2
- Hosseini, Hassan, (2006), rereading the scientific life and works of Hassan bin Hossein Beyhaqi, "Scientific-Specialist Quarterly Journal of Islamic History in the Mirror of Research 2", pp. 81-96.
- Hosseini, Seyed Ahmad, (2023) list of manuscripts.4

5. Sepehri, Muhammad, (1999), Raha al-Arawah and Muns al-Ashbah and the description of the virtues and miracles of the Holy Prophet, Fatima Zahra and Imam Athar, Tehran Ahl al-Qalam.
6. Shi'i Sabzevari, Hasan bin Hossein, manuscript of Masabih al-Qulob, Tehran: Islamic Council Library, No. 6815.
7. Shamisa, Siros, (1993), Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdous.
8. Tabatabai, Seyyed Abd al-Aziz, (1416), Al-Allameh Al-Hali School, Qom: Al-Bayt Al-Ahiya Al-Tarath Institute.
9. Allameh Hali, Hasan bin Yusuf, Chapter of Allah bin Rooz Bahan, (1422), Dalai al-Sadiq for Nahj Al-Haq Damascus: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon them, and the revival of tradition..
10. Gholamrazai, Mohammad, (2018), Persian prose stylistics, second edition, Tehran: Samt..
11. Fathinia, Mehdi, (2008), "Relationship between religion and government among Sarbadarans", History in the Mirror of Research, Vol. 2, pp. 181-208.
12. Fatouhi, Mahmoud, (2012), Theories, approaches and methods stylistics, Tehran: Sokhn..
13. Farshid Ward, Khosrow, (2008), About Literature and Literary Criticism, Tehran: Amir Kabir..
14. Vahidian Kamiyar, Taghi (2008) Badi from the aesthetic point of view, Tehran, Danesh.
15. Moghadam, Kazem, Ghafari, Mahmoud and Arefian, Mohammad Taqi, (2000), the story of the mystics (written by Abu Saeed Hassan bin Hossein Vaez Beyhaqi), Tehran, Loh Danesh..
16. Moradi Nasab, Hossein, (2012), "The government of chieftains and political, social and cultural developments in the 8th century", History Mirror of Research, first issue 4, pp. 143-166.

فهرست منابع فارسی

- امین، سید محسن، (بی تا)، اعیان الشیعه، بیروت الاضواء.
- تهرانی، آقابزرگ، (بی تا)، الذریعه، دارالاضواء، بیروت
- حسین شانه چی، حسن، (۱۳۸۶)، بازخوانی زندگی علمی و آثار حسن بن حسین بیهقی «فصلنامه علمی-تخصصی تاریخ اسلام در آینه پژوهش ۲»، صص ۸۱-۹۶.
- حسینی، سیداحمد، (۱۴۰۲) فهرست نسخه‌های خطی.
- سپهری، محمد، (۱۳۷۸)، راحه الارواح و مونس الاشباح و شرح زندگانی فضایل و معجزات رسول اکرم، فاطمه زهرا و ائمه اطهار، تهران اهل قلم.
- شیعی سبزواری، حسن بن حسین، نسخه خطی مصابیح القلوب، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۸۱۵
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۲)، کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
- طباطبائی، سیدعبدالعزیز، (۱۴۱۶)، مکتبه العلامه الحلی، قم: موسسه آل البيت الاحیاء التراث.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، فصل الله بن روز بهان، (۱۴۲۲)، دلائل الصدق لنهج الحق دمشق: موسسه آل البيت علیهم السلام و الاحیاء التراث.
- غلامرضائی، محمد، (۱۳۹۸)، سبک‌شناسی نثر پارسی، چاپ دوم، تهران: سمت.

فتحی‌نیا، مهدی، (۱۳۸۸)، «رابطه دین و دولت نزد سریداران» تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲، صص ۱۸۱-۲۰۸.
فتوحی، محمود، (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۸) بدیع از دیدگاه زیباشناسی، تهران، دانش.
فرشید ورد، خسرو، (۱۳۸۷)، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
مقدم، کاظم، غفاری، محمود و عارفیان، محمد تقی، (۱۳۷۹)، داستان عارفان (نوشته ابوسعید حسن بن حسین واعظ بیهقی)، تهران، لوح دانش.
مرادی نسب، حسین، (۱۳۸۲)، «دولت سریداران و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در قرن هشتم»، تاریخ آینه پژوهش، پیش شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۶۶.

معرفی نویسندگان

زینب سیدهاشمی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: zseyyedhashemi@gmail.com)

(ORCID: 0009-0004-8295-9465)

کامران پاشایی فخری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: pashaei@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-4140-6333)

پروانه عادل‌زاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: adelzade@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0002-9425-1056)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Zainab Seyyedhashmi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Islamic, Tabriz, Iran.

(Email: zseyyedhashemi@gmail.com)

(ORCID: 0009-0004-8295-9465)

Kamran Pashaei Fakhri: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: pashaei@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-4140-6333)

Parvaneh Adelzadeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: adelzade@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0002-9425-1056)